



دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

عنوان پایان نامه :

## تساهل و تسامح در مثنوی‌های عطار نیشابوری

نگارش

سمیه دهقان

استاد راهنما

دکتر علی حیدری

استاد مشاور

دکتر سعید زهره وند

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

زمستان ۹۰

## فهرست مطالب

### فصل اول: مقدمات و تعاریف

- ۱- معنای تساهل و تسامح در لغت و اصطلاح ----- ۲
- ۲- شرایط تساهل و تسامح ----- ۲
- ۳- پیشینه تاریخی تساهل و تسامح ----- ۳
- ۴- تساهل و تسامح در غرب ----- ۴
- ۵- گونه‌های تساهل و تسامح ----- ۷

### فصل دوم: تساهل و تسامح در اسلام و پیش از آن

- ۱- تساهل و تسامح در اسلام ----- ۱۳
- ۲- تساهل و تسامح در ایران باستان ----- ۲۱

### فصل سوم: نقش عرفان در زدودن اختلافات مذهبی و ایجاد تساهل

- ۱- منشأ اختلافات مسلمانان ----- ۲۵
- ۲- اختلافات فرقه‌ای و مذهبی در ایران ----- ۲۵
- ۳- نقش عرفان در رشد تساهل ----- ۲۷

### فصل چهارم: انواع تساهل و تسامح (دینی، سیاسی، اخلاقی و فکری) در مثنوی‌های عطار

#### نیشابوری

- ۱- تساهل دینی ----- ۳۵

۵۲ ----- ۲- تساهل سیاسی

۷۱ ----- ۳- تساهل اخلاقی

۹۶ ----- ۴- تساهل فکری

۱۰۵ ----- **فصل پنجم: نتیجه گیری**

۱۰۸ ----- فهرست منابع

چکیده:

تساهل و تسامح با بیانی ساده و روشن به مفهوم مدارا و تحمل عقاید و رفتار مخالف است. این اصل انسانی که از آموزه‌های دینی ما نیز می‌باشد، امروزه برای بقای حکومت‌ها و داشتن جامعه‌ای سالم و به دور از تنش و خصومت و مطابق با اصول انسانی حائز اهمیت بسیار است. تساهل و تسامح در حوزه‌های مختلفی چون دین، اخلاق و سیاست کاربرد دارد.

با مطالعه‌ی آثار عطار به اعتقاد عمیق او به این اندیشه الهی و بشردوستانه پی بردیم و از آنجا که او جایگاه والایی در ادبیات کشورمان دارد، سعی کردیم مثنوی‌های او را از این دیدگاه، مورد مذاقه‌ جدی قرار دهیم؛ سپس با تأمل در تعالیم عرفانی او دریافتیم که اصولاً درک عرفانی از دین، تسامح طلب است. عارفان روشن بین و وسعت نگر سخت‌گیری‌های دینی را نمی‌پسندیده، با تکیه بر شعار «الطَّرْقُ إِلَى .. بَعْدَ انْفَسِ الْخَلَائِقِ» مقصد و مقصود همه شریعت‌ها را یکی دانسته‌اند و کوشیده‌اند جامعه‌ای را بنیان نهند که در آن همه مردم با هر اعتقاد و مسلکی بتوانند با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند.

در این پژوهش، پس از بررسی اصطلاح تساهل و تسامح و مبانی آن در غرب و اسلام به نقش عرفان در رفع اختلافات و رشد و تقویت روحیه تساهل‌ورزی اشاره شده‌است و سپس انواع تساهل و تسامح از لحاظ عرصه و قلمرو در چهار مثنوی عطار نیشابوری ( منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه و اسرارنامه ) بررسی شده و عوامل برجسته اعتقاد به این اصل مهم ریشه‌یابی گردیده است.

واژگان کلیدی: تساهل، تسامح، مدارا، سیاست، دین، اخلاق، تعصب.

## بیان مسأله :

از جمله مسائلی که در روزگار ما بسیار بر سر زبان‌ها افتاده و در محافل روشنفکری و دانشگاهی مطرح می‌باشد، مقوله‌ی "تساهل" و "تسامح" است. تساهل و تسامح در دین به عنوان مسأله‌ای مهم و اساسی در حوزه‌ی معارف دینی مطرح شده و تلاش شده است، از زوایای گوناگون درباره‌ی آن بحث و بررسی شود. تساهل و تسامح از آموزه‌های دینی است و به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران دینی این تساهل و تسامح «در دین» است نه «بر دین» و قابل تعمیم به حوزه‌های غیردینی از قبیل: سیاست، اجتماع، اخلاق، اقتصاد و... نیز هست و اتفاقاً در این حوزه‌ها کاربرد وسیعی یافته است. مثلاً در حوزه‌ی سیاسی، در معانی والایی چون بردباری و تحمل آرا و عقاید دیگران، نبود اجبار و خشونت در قلمرو اندیشه و باور، سعه‌صدر و نفی "عسر و حرج"، نمود پیدا کرده است.

به عبارت دیگر، با دقت در آثار برخی از شاعران بنام کشورمان متوجه می‌شویم که تساهل و تسامح در آثار آن‌ها نیز، کمابیش تجلی یافته است. شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر، عارف و نویسنده‌ی بزرگ قرن شش و هفت نیز از این قاعده مستثنی نیست. در آثار او روح تسامح و تساهل به وضوح نمایان است.

عصر عطار، دوره ترویج علوم دینی، تعصبات شدید مذهبی، افزایش شمار فقها و فرقه‌های مختلف دینی بود. از طرفی، در مقابل این اوضاع متشنج و سخت‌گیرانه تفکر مذهبی صوفی‌گرایانه نیز در حال رشد بود که نظری مثبت به تساهل و تسامح داشت. تمایل تصوف ایرانی مخالفت با هر گونه اختلاف مذهبی بود و تعلیم شاعرانی که تحت تأثیر مکتب تصوف شعر می‌سرودند، به رشد تساهل کمک می‌کرد؛ از جمله‌ی این شاعران که خود پیرو همین مکتب بوده، عطار نیشابوری است. او شاعری خوش‌مشرّب و مردمی است و عرفان او خشک و زهدآمیز نیست.

عطار تفاوت ادیان را مهم نمی‌داند و همگان را به دوری از تعصبات مذهبی فرا می‌خواند. او با این که به طور قطع سنّی مذهب است؛ اما ارادت خاصی به خاندان نبوت دارد و در مثنوی‌هایش در ابیات فراوانی با شوقی عجیب و درخور توجه از ائمه و اهل بیت سخن به میان می‌آورد. او همچنین، در حوزه‌ی سیاست نیز از جمله بزرگانی است که پیرو تساهل و تسامح است.

در دنیای عطار، که استبداد همه جا را فرا گرفته، نیشابور در دست طایفه غزها گرفتار است و هیچ گونه مخالفی تحمل نمی‌شود و انتقاد و اعتراض به شدت نامقبول است، او در آثارش به خصوص مثنوی‌های چهارگانه‌اش در موارد متعدد، حکومت عصر خویش را در قالب حکایت و از زبان شوریدگان و دیوانگان عصر خویش به باد انتقاد می‌گیرد؛ دردهای اجتماعی خود را می‌گوید و حاکمان را به عدالت، ترک ستم، مدارا و گذشت دعوت می‌کند. تسامح در مثنوی‌های عطار در حوزه‌هایی دیگر چون اخلاق و اجتماع نیز، مشخص و نمایان است. در این پژوهش سعی بر این است که جلوه‌های تسامح و تساهل در مثنوی‌های (منطق الطیر، الهی نامه، مصیبت نامه، اسرار نامه) عطار نیشابوری بررسی شود و دلایل و عوامل برجسته‌ی اعتقاد به این اصل مهم دینی و ... ریشه‌یابی گردد.

**سؤالات تحقیق:** (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی)

**سؤال اصلی:** تسامح و تساهل در مثنویات عطار چگونه تجلی یافته است؟

**فرضیات تحقیق:** (فرضیه اصلی و فرضیات جنبی یا جانمایی)

**فرضیه اصلی:** از آنجایی که عطار شاعری وسیع مشرب است و از زاویه تنگ تعصب به مسائل مختلف نمی‌نگرد، لذا روح تساهل و تسامح در مثنوی‌های او صریح و به نحو چشمگیری متجلی شده است.

# فصل اول

## مقدمات و تعاریف

## 1- تساهل و تسامح در لغت و اصطلاح

دو واژه « تساهل » و « تسامح » هر دو مصدر باب تفاعل هستند و در کتاب‌های لغت معروف عربی و فارسی معمولاً مترادف با هم، به کار رفته‌اند. فرهنگ معین، تسامح را دارای سه معنی می‌داند: ۱- آسان گفتن، مدارا کردن ۲- کوتاهی کردن، فروگذار کردن ۳- سهل انگاری (اسم مصدر).

برای تساهل نیز سه معنی بیان می‌کند: ۱- سهل گرفتن بر یکدیگر، آسان گرفتن، به نرمی رفتار کردن (مصدر لازم) ۲- آسان گفتن ۳- سهل انگاری (اسم مصدر) (معین، ج ۱: ۱۰۷۸)

در زبان انگلیسی نیز، تساهل و تسامح به صورت برابر نهاد واژه‌های «Tolerance» و «Toleration» به کار می‌رود. مصدر «Tollo» به معنای بردن، تحمل کردن، تاب آوردن در برابر درد یا سختی است. (آریانپور، ۱۳۷۰: ۵۷۹۵)

تساهل و تسامح در اصطلاح، به معنای «عدم مداخله و ممانعت یا اجازه دادن از روی قصد و آگاهی به اعمال، عقاید و رفتاری است که مورد پسند شخص نباشد.» (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۳۸)

آقاجانی قناد، در تعریفی مشابه و با عبارتی دقیق‌تر اصطلاح تساهل و تسامح را در دو معنی به کار می‌برد: «الف: آزادی مخالف عقیدتی و سیاسی در اظهار عقیده ب: پرهیز از خشونت غیر قانونی در برابر خطاکار و اقدام به عفو و اغماض در حد ممکن.» (آقاجانی قناد، ۱۳۸۵: ۱۴)

لازم به ذکر است، تساهل و تسامح در حوزه‌ها و علوم‌ی چون: ادبیات، فقه، سیاست، حقوق، فلسفه و... معانی مختلفی می‌یابند و تعاریف مستقلی دارند.

## ۲- شرایط تساهل و تسامح

تحقق تساهل و مدارا در جامعه منوط به شرایط زیر است:

۱) تساهل و تسامح در جامعه‌ای قابل تصور است که در آن تنوع و تعدد عقیدتی و رفتاری وجود داشته باشد، در جامعه‌ای که انواع نظرات و عقاید وجود نداشته باشد و همگان طرز فکر واحدی داشته باشند، اختلافی هم بر سر عقاید پیش نمی‌آید، پس تساهل و تسامح در آن جامعه مفهومی ندارد.



۲) مدارا و تحمل عقیده مخالف باید با قصد و اراده فرد تساهل گر انجام بگیرد؛ یعنی تساهلی که از روی اجبار و اضطرار باشد، از دایره تساهل خارج است.

۳) تساهل منوط به داشتن انگیزه مخالفت و اعتراض است؛ اما به دلیل مصلحت بالاتری یعنی مدارا و سازگاری با عقیده ناموافق، میل اولیه به اعتراض سرکوب می شود.

۴) در تساهل، عامل تساهل باید قدرت و امکانات لازم را برای مخالفت و اعتراض داشته باشد؛ اما از این توانایی استفاده نکند. یعنی، تساهل باید از موضع قدرت باشد. (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۸)

بنابراین، در اجرای تساهل فرد نسبت به عقاید یا رفتار مخالف بی تفاوت نیست؛ بلکه با وجود میل به مخالفت و اختیار و قدرتمندی برای ایستادگی، در برابر اعمال و عقاید ناخوشایند خود باز تساهل می ورزد. زرین کوب در باب این شرایط، در کتاب "تاریخ در ترازو" می نویسد: «تسامح پذیرش شکاکانه یا بزرگوارانه تمامی عقاید نیست؛ بلکه رفتاری است مبتنی بر تأیید حق نهادی مطلق دیگران، تا به دلخواه خویش، بیندیشند و اندیشه شان را بگویند و نیز دفاع از این حق، به رغم چگونگی عقاید آنان حتی اگر به نظر ما خطا باشند. آدمی باید نسبت به عقاید و اندیشه های دیگران سعه صدر نشان بدهد. درحقیقت تسامح با آزادی بیان در پیوند بوده و با نادانی و فرایندهای آن می ستیزد، به همین دلیل، تسامح، تحمل از روی آزادی و اختیار است و از موضع قدرت صورت می گیرد.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۲۶۸)

### ۳- پیشینه تاریخی تساهل و تسامح

می توان گفت از زمانی که انسانها بر کره ی خاکی در کنار هم قرار گرفته اند، زندگی آنها با نیروی تساهل و سازگاری با هم ممکن شده است. اگر انسانها نمی توانستند با مدارا با هم زندگی کنند، بی تردید، اجتماع افراد وجود نمی یافت. اما اندیشه ی تساهل در طی دورانهای مختلف هم از نظر تاریخی و هم از لحاظ مفهومی، تحولات مهمی را پشت سر گذاشته است. «در طی این مراحل مختلف از واژه ی تساهل معنا و مفهوم واحدی استنباط نشده است؛ بلکه در کاربرد نظری، حقوقی، مذهبی و سیاسی معنا و مفهوم خاصی را پیدا کرده است. گاهی به مفهوم وسیع آن به معنای آزادی عقیده و فکر مورد استفاده قرار گرفته است و زمانی به صورت دقیق تر، یک مفهوم محدود از آن استنباط شده است. اما بیان ساده و مشترک تساهل در زمانهای متفاوت عبارت است از: اجازه دادن به بیان عقاید در عرصه های مختلف دین، فرهنگ، سیاست و...»

و نیز اعمال یا روش‌هایی که فرد تساهل‌گر آن را خوشایند خود نمی‌داند و مخالف آن است.» (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۴۸) بنابراین، همواره نوعی از تساهل در میان اقوام و ملل مختلف در طول تاریخ بشریت دیده شده است که در حوزه‌های مختلف دچار فراز و نشیب‌های تاریخی گردیده است.

نکته قابل تأمل این است که، هر چند امروزه رعایت اصل تساهل و مدارا بین مذاهب مختلف و نیز در درون حاکمیت دولت‌ها و دادن اجازه ابراز عقیده به تمامی نحله‌های فکری امری بدیهی و ضروری است؛ اما این تساهل به همین آسانی به دست نیامده است. «باید قرن‌ها می‌گذشت، جنگ‌های خانمان‌سوز در می‌گرفت، جان و مال و حکومت‌ها و حتی کشورها نابود می‌شدند، تا تناقض استدلال‌های تسامح‌ستیزان و خشونت‌گران در عمل و نظر ثابت می‌شد و فرهیختگان سیاست و دین، بدین نتیجه می‌رسیدند که نفع طرفین دعوا در تسامح و مداراست. و به قول حافظ:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است      با دوستان مروت، با دشمنان مدارا»

(موحد، ۱۳۷۹: ۲۰۹)

#### ۴ - تساهل و تسامح در غرب

مفهوم تساهل در غرب، نخستین بار در زمینه‌ی مذهب به صورت جدی مطرح شد. مسیحیان اولیه افرادی متساهل بودند. از منظر آن‌ها استفاده از اجبار و خشونت برای ترغیب مشرکان به بازگشت به دین کاملاً مردود بود. این‌ها چون خود در برابر امپراطوری روم مورد ظلم و ستم و عدم تساهل قرار گرفته بودند، سخت‌گیری دینی را ناروا می‌دانستند. اما به تدریج این روند تغییر کرد؛ پس از گسترش مسیحیت و قدرت یافتن آن، خصوصاً هنگامی که کنستانتین، مسیحیت را دینی دولتی ساخت، این مسیحیان در برابر عقاید مخالف خود، به طور قابل توجهی نامتساهل شدند، تا جایی که در اواخر قرون وسطی به ویژه قرن سیزدهم، سخت‌گیری و عدم تساهل به اصل حاکم بر کلیسا تبدیل شد. (بشیری، ۱۳۷۹: ۷۴ - ۷۳)

اعمال کلیسا مانند «شکنجه مخالفان، تفتیش عقاید، سخت‌گیری بر منتقدان، حمایت از ستم پادشاهان، در کنار خرافات پروری و پیرایه‌بستن به دین مسیح، در اواخر قرون وسطی، خشم اندیشمندان و مصلحان اروپا را برانگیخته بود که سرانجام با حمایت توده‌ها در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی به اوج خود رسید.»

(آقاجانی، ۱۳۸۰: ۱۷) مسیحیت آن چنان قدرتمند و فراگیر شده بود که سرپیچی از آموزه‌های آن هم‌پایه مقاومت و طغیان در برابر دولت به شمار می‌آمد. در حقیقت ریشه عدم تساهل رایج در این قرون به این طرز- فکر باز می‌گشت که مسیحیت تنها خود را دین برحق می‌دانست و پیروان سایر ادیان را به خطا رفته و کژ دین می‌خواند و چنین وانمود می‌کرد که "هیچ کس بیرون از کلیسا باقی نمی‌ماند" یعنی مسیحیت دینی فراگیر است. (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۱۵)

ریشه اندیشه تساهل در غرب را باید در تحولات نهضت اصلاح دین و نزاع کلیسا و دولت جستجو کرد، هر چند این مفهوم تنها در قرن هفدهم به صورت مشخص در اندیشه‌های سیاسی عنوان شد. «در آن عصر معنای تساهل عمدتاً محدود به پذیرش حق انتخاب مذهب توسط فرد و عمل بدان بود. بعدها به تدریج مصداق آن گسترش یافت و تحمل اعتقاد به هر عقیده‌ای (خواه مذهبی یا سیاسی) را در بر گرفت. با این حال، از آنجا که مذهب در آن روزگار از اهمیت بسیاری برخوردار بود، در واقع تساهل در زمینه‌ی عقاید مذهبی به معنی تساهل نسبت به هر عقیده‌ای تلقی می‌شد.» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۷۴)

در قرن شانزدهم در اروپا، همزمان با منازعات شدید مذهبی و تفرق دینی، اندیشه‌ی تساهل رایج شد. عصری که در آن، داشتن ایمان راستین و صمیمانه مورد تشویق واقع شد؛ تأکید بر صداقت در دین هرچند خود تعصباتی را به بار آورد؛ اما نوعی از آزادی عقیده را هم در برداشت؛ زیرا تحمیل عقیده و سخت‌گیری موجب گسترش تظاهر و ریاکاری در جامعه می‌شد که از نظر دینی ناموجه بود و با اصل ایمان راستین که با جدیت تبلیغ می‌شد، در تضاد بود. (همان: ۷۵-۷۴)

بنابراین تساهل به معنای آزادی عقیده، سنتی اساساً اروپایی است و در قرن شانزدهم حاصل شد. در این دوران، همه فرقه‌ها به حقانیت مطلق خود اعتقاد داشتند. هم کلیسای کاتولیک و هم کلیسای پروتستان، خود را حق مطلق و تردید ناپذیر دانسته و مخالفان خود را انسان‌هایی شرور به حساب می‌آوردند. کینگ می-گوید: «حقیقت مذهبی چنان موهن تلقی می‌شد که مخالفت با آن، نه اشتباه، بلکه شرارت به شمار می‌رفت. در طی رفورماسیون، نه تنها کاتولیک‌ها بلکه پروتستان‌های اولیه نیز، بر این نظر بودند. هم‌چنان که کاتولیک‌ها «هورمایر» را سوزاندند (۱۵۲۸) کالوینیست‌ها نیز «سروتیوس» را به آتش کشیدند (۱۵۵۳). هواداران لوتر، «مونترز» را در آتش سوزاندند (۱۵۲۵).» (آقاجانی، ۱۳۸۰: ۲۰)

در چنین شرایطی، بحث تساهل مهم‌ترین مسأله‌ی حیات به شمار می‌رفت. جان لاک، فیلسوف انگلیسی در اولین گفتگوی خود که تحت عنوان "نامه‌ای در باب تسامح" منتشر شد و اولین اثر منسجم در مورد این موضوع بود، می‌گوید: «سرکوب، سیاست مؤثری نیست. با زور می‌توان فردی را به انجام نوعی از عبادت‌های مسیحیت واداشت؛ اما نمی‌توان ایمان و اعتقاد قلبی به او بخشید. چنین روشی تنها آدم‌هایی متظاهر به دین، پدید می‌آورد و این نه تنها کاری بیهوده است، از نظر اخلاقی نیز زیان بار است.» (موحد، ۱۳۷۹: ۲۱۰) او که از مدافعان تساهل سیاسی و مذهبی بود. عقیده داشت دولت نباید کاری به ایمان و اعتقاد مردم داشته باشد، لاک شرط جدایی کلیسا از دولت را با توجه به نقش و کار ویژه‌ای که هر کدام دارند و هدف‌هایی که دنبال می‌کنند، برای رسیدن به تساهل ضروری می‌دانست. دین مسأله‌ای شخصی است و اختلافات مذهبی کمتر از نظم و آرامش مدنی اهمیت دارند، «خداوند مراقبت از ارواح انسان‌ها را به حاکمی مدنی واگذار نکرده است تا بر دیگران تسلط یابد و آنان را مجبور به پذیرش دین او نماید. مراقبت از ارواح انسان‌ها ربطی به فرمانروای مدنی ندارد، زیرا قدرت او ظاهری است. دین برحق و سعادت‌بخش، ترغیب درونی است که بی آن، هیچ عملی مقبول درگاه حق قرار نمی‌گیرد. با مجازات به هیچ وجه نمی‌توان در وجود انسان «اعتقاد» به وجود آورد. فقط با نور ایمان است که می‌توان دیدگاه انسان را دگرگون کرد و بی تردید این نور با شکنجه یا هر نوع مجازات بدنی حاصل نمی‌شود.» (لاک، ۱۳۷۹: ۱۸۱)

دفاعیات لاک از تسامح که در قرن هفدهم تازه و پیشتازانه بود، در نهایت قبول عام یافت و حتی کاتولیک‌های سخت‌گیر نیز آن را پذیرفتند. اما در قرن نوزدهم، تسامح مدافع قوی‌تری به نام جان استوارت-میل یافت، تسامح مورد نظر او از تسامح لاک سهل‌تر و بی‌قیدتر بود. از نظر او دخالت در آزادی افراد، تنها هنگامی جایز است که مطمئن باشیم آزادی او خطر یا تهدیدی برای آزادی دیگران در بردارد. مهم‌ترین تفاوت میل با لاک، در این نکته است که اندیشه‌ی لاک به تمامی متوجه حفظ آزادی فرد در برابر دولت و کلیسا بود، اما میل به شدت نگران قیدهایی بود که قوانین نانوشته یعنی قراردادها و اعتقادهای عامه و عوام بر آزادی انسان می‌نهند. (موحد، ۱۳۷۹: ۲۱۱)

«در قرن بیستم، آرای لاک و میل با دقت و وسعت نظر بیشتر، در غرب به معتقدات همگانی پیوست و حالا نوبت فیلسوفان دین و متکلمان جدید بود که با طرح پلورالیسم دینی و برتر از آن، کشف معنویت و روحانیت در مخالفان ادیان، تسامح را ابعاد تازه‌ای ببخشند.» (همان: ۲۱۲)

به اعتقاد فرزانه پور مسأله تسامح یا همان تولرانس در اندیشه‌های سیاسی غرب که در آغاز رنگ و بویی دینی داشت و با هدف دوری از خشونت و نزاع‌های فرق مسیحی و صیانت جامعه از هرج و مرج و استبداد بود، در دوران اخیر، به مفهومی صرفاً سیاسی و به‌ندرت اقتصادی مبدل گشته و با حقوق بشر به مفهوم غربی آن پیوند خورده است. از منظر او بین تولرانس غربی و تساهل اسلامی تفاوت ماهوی و ساختاری وجود دارد. تولرانس، اصطلاح سیاست جدید است و تاریخ آن به تفکرات جان لاک برمی‌گردد. در حالی که تساهل و تسامح اسلامی بیشتر در گوش ما طنین اخلاقی داشته و به نوعی فضیلت اشاره می‌کنند و تاریخی به قدمت دین اسلام دارند. (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۶)

او در مورد تولرانس می‌نویسد: «تولرانس نوعی از پلورالیسم است که براساس آن هر چه دامنه انتخاب‌های فرد بیشتر باشد تا از میان راه‌ها و مسلک‌ها و عقاید دست به انتخاب بزند، او به انسانیت خودش نزدیک‌تر شده است. همچنین در انتخاب هر یک از گزینه‌های پیش رو، رجحان و برتری نسبت به دیگری برای فرد وجود ندارد؛ زیرا ملاک متقن و قابل قبولی در این زمینه یافت نمی‌شود. بنابراین، عمل و اعتقاد به تولرانس لیبرالی به منزله‌ی نسبی‌گرایی معرفتی و غیرقابل داوری دانستن حق و حقیقت است. درحالی‌که مبنای تساهل اسلامی به هیچ وجه نسبی‌گرایی معرفتی و زیر سؤال بردن حقیقت نیست و طریق اعمال تساهل و دفع خشونت به هیچ روی با خشکاندن ریشه یقین امکان پذیر نمی‌باشد.» (همان: ۱۹)

## ۵- گونه‌های تساهل و تسامح:

بسترهای تساهل و تسامح، متنوع و متکثر است. به بیانی دیگر، تساهل در عرصه‌های مختلف فکری، علمی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی قابل طرح است. اما سه نوع عمده آن که در همه‌ی زمان‌ها مطرح بوده است و از عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری تساهل اروپایی بوده‌اند؛ عبارت است از: تساهل دینی، تساهل سیاسی، تساهل اخلاقی و تساهل فکری

### ۵-۱- تساهل دینی:

تساهل دینی رایج در جوامع امروزی در تساهل اروپایی، ریشه دارد که از قرن شانزدهم میلادی به طور آشکارا در جوامع مسیحی مطرح شد. درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای میان مسیحیان اروپا نیز عامل اصلی تساهل مذهبی است. از این رو، در نخستین گام به وادی تساهل مذهبی وارد می‌شویم.

در تعریف تساهل دینی آمده است: « سهل گیری و تحمل مبتنی بر آموزه‌های دینی، نسبت به باورها و رفتارهای دین مخالف را تساهل دینی و سخت گیری و عدم تحمل، نسبت به باورها و رفتارهای مخالف دیگران خصوصاً باورها و رفتارهای دین مخالف را عدم تساهل دینی گویند. » (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۶۷) تساهل و تسامح اساساً مقوله یا پدیده‌ای درون دینی است و مبنا و خاستگاه آن خود دین است، زیرا تساهل خود یک حکم دینی است و بر پایه‌ی مصالح دیر پای بشری وضع شده است.

« تاریخ ادیان ابراهیمی نشان می‌دهد که شریعت حضرت موسی (ع) از رنگ و بوی سهل‌گرایانه و سماحت برخوردار بود و این ویژگی تا زمانی که ستمگری پیشه یهودیان نشده بود، باقی بود. با بعثت حضرت مسیح (ع) رویکرد به تساهل و آسان‌گیری بیشتر شد و آن حضرت به طور صریح، حکم به حلیت بخشی از محرّمات دین موسی (ع) داد. با این همه، بنا به گزارش قرآن کریم، آیه ۱۵۷ سوره اعراف، از انجیل و تورات واقعی، برداشتن تکالیف و احکام دست و پاگیر و ارایه دین سمح و سهل بر عهده پیامبر (ص) گذاشته شده بود که بنا بود بعداً ظهور کند. » (فرزانه پور، ۱۳۸۶، ۸۱)

همچنین در زمینه تحمل و تساهل در برابر عقاید دینی مخالف « ادیان مختلف هر یک به درجه‌ای خاص نسبت به عقاید و رفتارهای مخالف، از خود تساهل و در مواردی عدم تساهل نشان داده‌اند. » ( فتحعلی، ۱۳۷۸: ۶۷)

دین مبین اسلام نیز، به عنوان آخرین دین بزرگ عالم، به همه ادیان گذشته نظر دارد و باب تساهل و تسامح دینی را نسبت به سایر ادیان باز می‌داند. این مکتب انسانی بر مدارا با همه عقاید یا همان هم‌زیستی مسالمت آمیز با صاحبان عقاید غیراسلامی، خصوصاً پیروان ادیان دیگر تأکید زیادی دارد. بدیهی است، منشأ تساهل و مدارای اسلامی با اقوام و ملل بیگانه، دستورات و توصیه‌هایی است که در قالب آیات قرآنی و سیره نبوی وجود دارد که ما به سه مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم.

## ۱- به رسمیت شناختن ادیان متکی به وحی در قرآن

خداوند در قرآن، یهودیان، مسیحیان، صابئین و مجوس را اهل کتاب معرفی می‌کند و در آیات فراوانی خواستار برقراری روابط دوستانه و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با آن‌ها می‌شود. (بقره / ۱۲۹ و ۱۰۹، آل عمران / ۶۴) مگر کسانی از آن‌ها که به انکار حق مبادرت ورزند و به جنگ با مسلمانان اقدام نمایند.

## ۲- گفتگوی منطقی و تبادل نظر

یکی از ابزارهای مهم برای تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، گفتگوی منطقی و تبادل نظر در زمینه‌ی افکار و عقاید است. از این‌رو، خداوند از پیامبر خویش می‌خواهد که بنیان تبلیغ و دعوت خود را بر اصل گفتگو و منطق قرار داده، خلق را به حکمت و برهان و موعظه‌ی حسنه به راه خدا دعوت کند و با بهترین روش با اهل جدل، مناظره نماید. (نحل / ۱۲۵)

## ۳- به رسمیت شناختن خدای مشترک

قرآن اصل توحید را به منزله‌ی اساس روابط حسنه با پیروان عقاید مبتنی بر وحی (آل عمران / ۶۴) پیشنهاد کرده است که بر اساس آن، خداوند از اهل کتاب می‌خواهد در زیر چتر واحد و مشترک آسمانی؛ یعنی اصل توحید، جمع شده، به هم‌زیستی خود با مسلمانان ادامه دهند. (فرزانه پور، ۱۳۹۰: ۱۷۳)

در فصل بعد به طور مفصل از تساهل اسلامی بحث خواهد شد.

نکته قابل توجه دیگر در تساهل مذهبی، رد تعصب است. در واقع منشأ سخت‌گیری‌ها و عدم تساهل نسبت به عقاید مخالفان، تعصب‌ورزی نسبت به اعتقادات خود است. ولتر، نویسنده فرانسوی معتقد است: «تعصب نوعی بیماری و تندروری است که اجتماع را به نابودی تهدید می‌کند. تعصب، خرافات، احساسات مذهبی، سرکوب‌گری و تباه کردن حقیقت را موجب می‌شود، جنبه‌ی برجسته‌ی آن فریب مردم و انقیاد آنان است. کژدینی امری طبیعی است؛ زیرا ریشه در ماهیت محدود ذهن انسان دارد، به همین سبب تساهل ضروری است.» (ژولی سادا، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۱۹)

تعصب ورزی، نشانه‌ی تنگ‌نظری و کوتاه‌فکری افراد متعصب است، زیرا اگر افراد اصل را بر این بگذارند که انسان‌ها با هم متفاوتند و اندیشه‌ها و افکار و عقاید و حتی برداشت‌ها مختلف است، دیگر تعصب و سخت‌گیری از خود نشان نمی‌دهند. همگی انسان‌ها یکسان فکر نمی‌کنند و با توجه به شرایط مختلف فردی و اجتماعی‌شان، عقاید متنوع و متکثری دارند؛ اما باید توجه داشت همه‌ی آن‌ها در یک چیز مشترک هستند و آن انسانیت و نیاز به روابط سالم انسانی است. با این طرز فکر تساهل و تسامح علاوه بر مفهوم دینی یک امر انسانی و جهانی محسوب می‌شود. از این‌رو، باید در جوامع آزادی‌اراده و سلائق محترم شمرده شود.

قابل ذکر است، تساهل دینی مورد بحث ما در این پژوهش بار معنایی فراتری از تعریف اصلاحی تساهل دینی دارد. یعنی ما معتقدیم انسان‌ها باید علاوه بر تحمل و مدارا با کسانی که در عقیده و عمل با آنها اختلاف دارند، باید نوع بشر را با هر عقیده و عملی دوست بدانند و به همه‌ی عقاید و مسلک‌ها احترام بگذارند. این طرز فکر با عقاید سهل‌گیرانه عرفای ما نیز همخوانی دارد. عارفان بلند نظر که با تساهل ورزی شان در این پژوهش سهم عمده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ بر این باور بودند که منشأ همه ادیان یکی است و تمامی ادیان راه‌هایی به سمت یک هدف هستند. آن‌ها به ادیان و مذاهب نگاهی باطنی داشتند و به سبب آنکه مذاهب و فرقه‌های مختلف را جلوه‌های اسماء و صفات الهی به حساب می‌آوردند، از نزاع‌ها و تعصبات فرقه‌ای فراتر رفته‌اند. در آینده از تساهل عرفا بیشتر بحث خواهد شد.

## ۵-۲- تساهل اخلاقی:

در تساهل اخلاقی «تساهل به عنوان یک صفت اخلاقی - اجتماعی پسندیده، به معنای، گذشت و آسان گرفتن اشتباهات خطاکار، مدارا کردن و شفقت با او و نیز، بزرگواری، جوانمردی و سعه‌صدر مطرح است.» (فتحعلی، ۱۳۸۷: ۴۵) تساهل و مدارا از این نظر مفهومی فرادینی و اصل اخلاقی و انسانی ماورایی است؛ هر چند که در ادیان توحیدی (ابراهیمی) به ویژه اسلام نیز جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است.

این نوع مدارای اخلاقی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری و طرح مسأله تساهل در غرب به شمار می‌آید که در تعالیم مسیحیت نیز بسیار بر آن تأکید شده است. فرزانه پور در این زمینه می‌نویسد: «تساهل به مفهوم مذهبی از دو نظریه سرچشمه می‌گیرد: نظریه اول که حکمای الهی سه قرن اول میلادی بر آن تأکید کرده بودند، این است که تعالیم مسیحیت بایستی آزادانه مورد قبول واقع شود و هر نوع سخت‌گیری و الزام و اجبار، همچون استفاده از مجازات‌های کلیسایی مانند تکفیر، با آن بیگانه است. نظریه دوم عبارت از آموزش جایز الخطا بودن انسان، محدودیت ظرفیت و گناهکار بودن اوست. به طوری که خداوند از سر متانت به این خصیصه انسانی اشاره می‌کند و آن‌ها را می‌پذیرد و راه بازگشت را همواره بر روی آن‌ها باز نگه می‌دارد.» (فرزانه پور: ۱۳۸۶: ۶۵) بنابراین، تساهل در مسیحیت نخست مفهومی مثبت و اخلاقی دارد؛ اما به تدریج این روند دگرگون می‌شود و مسیحیت در برابر رفتار و عقاید مخالف نامتساهل می‌گردد و تعاریف جدیدی از تساهل مطرح می‌شود.



لازم به ذکر است تساهل اخلاقی در معنای جدید غربی آن با نسبییت اخلاق پیوند می‌خورد، به این معنی که « تساهل اخلاقی در معنای جدید غربی آن عبارت است از: عدم دخالت و جلوگیری از باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه‌های مختلف و محترم دانستن این باورها و رفتارها.» (فتحعلی، ۱۳۸۷: ۴۵)

بنابراین، هرکس می‌تواند دارای هر نوع باور و رفتار اخلاقی باشد و دیگران نباید برایش مزاحمتی ایجاد کنند.

### ۵-۳- تساهل سیاسی

تساهل سیاسی به منش و رفتار حکومت با مردم و مخالفانش مربوط می‌شود و بیانگر آن است که حکومت باید برای بقای خود، به دیدگاه‌های تمامی گروه‌های موافق و مخالف احترام بگذارد. در معنای وسیع‌تر، تساهل سیاسی شامل رفتار افراد و گروه‌های سیاسی متفاوت و مخالف نیز می‌شود. امروزه تساهل سیاسی از ویژگی‌های توسعه سیاسی کشورها به حساب می‌آید.

فرزانه پور معتقد است: « در حوزه رفتار سیاسی، اقتدار مشروع حکومت منوط به دارا بودن فضائل اخلاقی و صفات پسندیده در زمامداران است. چنان‌که قدرت سیاسی روابطی غیر عادلانه، نابرابر و خشونت-آمیز همراه با تنگ نظری و تغلب در جامعه برقرار سازد، قدرت مردمی و مشروع تبدیل به غلبه، سلطه و زور شده و مشروعیت خود را از دست خواهد داد. بنابراین، تساهل در حوزه سیاست، ناظر به گسترش مشارکت سیاسی افراد و گروه‌ها در قدرت، رفتار توأم با عدالت و تسامح با مخالفان و اقلیت‌های دینی غیرمسلمان و به رسمیت شناختن آزادی‌های اساسی شهروندان در زمینه اعتقاد، بیان و رفتار سیاسی است.» ( فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۳۴۸)

نشانه‌های تساهل سیاسی در یک جامعه، عبارت است از: ۱- آزادی بیان و اندیشه

۲- وجود احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف و مؤلفه نقد و انتقاد خصوصاً از حاکمیت

۳- سعه صدر و انتقاد پذیری حاکمان در برابر گروه‌های مخالف (فتحعلی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

## ۵-۴- تساهل فکری

نوعی دیگر از تساهل و تسامح که به حوزه‌ی افکار، عواطف و روحیات افراد مربوط می‌شود، تمایل به شادی و نشاط، خوشبینی و آسان‌گرفتن سختی‌ها است. این نوع تساهل که تساهل فکری نام دارد، از انگیزه‌های اولیه طرح مسأله تسامح غربی است. به گفته‌ی فرزانه پور: «اساساً اصطلاح تولرانس که همان تساهل و تسامح در فرهنگ ماست در وهله نخست، به معنی تاب آوردن در برابر درد و سختی و اندوهگین نبودن است و در وهله بعد، به معنای سیاست صبورانه حکومت و پذیرفتن اعتقادات دینی مخالفان است.» (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۴۲)

# فصل دوم

تساهل و تسامح در اسلام و پیش از آن

## ۱- تساهل و تسامح در اسلام

مکتب هدایتگر اسلام، با هر نوع خشونت، تعصب، تبعیضات نژادی، قومی و طبقاتی به مبارزه برخاسته است و پیروان خویش را به وحدت، مدارا و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هم با دیگر مسلمانان و هم با پیروان سایر ادیان دعوت می‌کند. این پدیده آسمانی در محیطی پدیدار شد که از مردم آن، انتظار صلح و دوستی نبوده است و به جای صمیمیت و صفا، قوم‌گرایی، نژادپرستی و خودمداری، بین آن‌ها، حکم فرما بود. در چنین محیطی، اسلام، صلح و آرامش را بین آن‌ها برقرار کرد و خط بطلان بر بسیاری از موازین برتری در نزد آن‌ها کشید.

اصولاً حفظ کرامت انسان، فارغ از هر امتیاز و اعتقادی یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های اسلام است. فرموده خداوند در قرآن: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» گویای همین مطلب است، لذا هرگونه تکبر و بی‌احترامی نسبت به غیر مسلمانان، حتی آنان که در حریم اسلام زندگی نمی‌کنند، با اصل احترام به انسان و حفظ کرامت او منافات دارد. نکته دیگر این است که اسلام در ادامه و تکامل دیگر ادیان آمده و همه ادیان قبل از خود را تأیید و تمجید می‌کند. (بقره ۱۲۶)؛ لذا، پیروان هیچ دینی نسبت به دیگر ادیان برتری ندارند و معیار ارزش و برتری به گفته قرآن فقط تقواست. حال برای روشن‌تر شدن تساهل و تسامح در اسلام، به طور تفصیلی به بررسی این مقوله در متون دینی می‌پردازیم.

به اعتقاد فرزانه پور، تساهل و تسامح اسلامی، در متون دینی به دو معنی به کار رفته است: نخست به معنی سهولت و سماحت شرع مقدس اسلام و آسان‌گیری احکام که در مواردی از آن به نفی حرج از دین تعبیر می‌شود و دیگری به عنوان یک فضیلت اخلاقی و شیوه‌ی رفتار و عمل که جایگاه ارزشی آن در فرهنگ اسلامی مورد توافق همگان است. (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۴۸)

### الف - تساهل به مفهوم سهولت و سماحت شرع مقدس اسلام

بسیاری از مفسرین در تفسیر آیه «فیسرک لیسری» (اعلی / ۸) سیری را همان شریعت «سمحه و سهله» دانسته‌اند، بدین معنی که خداوند پیامبر اسلام را بر شریعت آسان که همان حنیفیه است، موفق می‌کند. علامه